info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۲۱
چهارشنبه ۲۷ آذر/ ۱۳۹۸
۲۱/ ربیع الثانی/ ۱۴۴۱
18 /Dec/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۷۸-۳۲۵۳۴۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

عشق

می آیی
با تن پوشی از گل سرخ
و یک دامن شکوفه ی سیب
و سبدی پر از رازقی
تبسم که می کنی "عشق"
از نگاهت سر می رود
و اتاق خالی ام پر می شود از
بوی بهار

شاهین بهرامی

تلنگر

مترجم و ویراستاری با ذوق

مجدالدین کیوانی از آن دسته مترجمانی است که سال هاست در زمینه زبان و ادبیات فارسی دست به ترجمه و ویراستاری آثار زیادی زده است. او با قلمی شیوا و روان تلاش کرده که نگاه و نظر پژوهشگران و محققان خارجی به اندیشه و تمدن و ادب ایران زمین را به فارسی منتقل کند.

در این زمینه آثار بسیاری از ایران شناسان را در زمینه تصوف، اندیشه و ادب به فارسی برگردانده که امروز در عرصه تحقیق و تألیف مورد رجوع پژوهشگران داخلی است. در واقع کیوانی شخصیتی چند بُعدی است که علاوه بر ترجمه، ویراستار زبردستی است و آثار بسیاری را مورد ویراستاری قرار داده است.

متاسفانه امروز ویراستاری آن طور که باید و شاید در عرصه ادبیات و فرهنگ ما مورد توجه قرار نمی گیرد و کمتر ناشر و نویسنده ای درصدد است که کتابی را که چاپ می کند، به ویراستار بسپارد تا ویراسته شود و مخاطب با طیب خاطر بیشتری به خواندن آن مبادرت کند. اما تسلط کیوانی به ویراستاری و ترجمه باعث شده متونی که او به فارسی برگردانده است، در نزد مخاطب مورد رضایت بیشتری قرار بگیرد. او به دلیل تسلطی که به زبان کهن فارسی دارد و همچنین بهرمندی از تخصص در ویراستاری آثاری برای محققان، پژوهشگران و خوانندگان گویا و بلیغ است و مانند ترجمه های بازاری مخاطب را آشفته و سردرگم نمی کند.

علاوه بر آن کیوانی با علاقه به فرهنگ ایران زمین سعی کرده با آثارش به نوعی فرهنگ کشورش را به آن سوی ایران زمین بشناساند و برخی آثار مهم زبان فارسی را به انگلیسی برگرداند تا مخاطبان بیشتری نسبت به میراث سرزمینی اش آگاهی یابند در این میان شاید ذوق ادبی و استعداد سرودن شعر در کیوانی نیز باعث شده که کلامش در ترجمه همانسجم و پرمغز باشد و با پشتوانه غنی که مترجم دارد، مخاطب را به خواندن یک اثر بیشتر تشویق کند.

در واقع وقتی کلام مترجم ساده و بسیط باشد، مخاطب با هر درجه از فهم می تواند به راحتی با موضوع کتاب ارتباط برقرار کند و به نوعی با این رویکرد انتقال فرهنگ به درستی انجام شود.

بنابراین آنچه بیشتر مردم همگی در کنار هم باعث شده که محقق، پژوهشگر، ویراستار و مترجمی توانمند در یک فرد گرد آید و او با این توانایی ها در کارنامه خود آثاری را ثبت کند که کمتر کسی می تواند مانند آن را بیافریند. در واقع امروز جامعه با کمبود مترجمان زبردست و مسلط به زبان فارسی مواجه است و نشر ما سرشار از آثاری است که مخاطب را از خواندن کتاب دلزده کرده است.

فتح الله جنابی

تحلیل

تحلیل سریال پاتریک ملروز بر اساس اختلال های روانی (بخش دوم)

قوانین سخت و پیچیده، اضطراب و هراس به دنبال دارد

محمدرضا صمدی

مینی سریال پاتریک ملروز که بر اساس رمان های ادوارد سنت آبین طراحی و تولید شده است، با قلم دیوید نیکولز به فیلمنامه و توسط ادوارد برگر کارگردانی شده است. در بخش نخست به انزوا به عنوان یکی از پیچیده ترین حالت های روحی بشر پرداخته شد و در این بخش به شرح و تحلیل وقایع فیلم می پردازیم.

قوانین سخت و پیچیده ای چون بیرون نرفتن از خانه حتی برای شرکت در جشن ها و نوروز همی های خانوادگی، یکی از مسائلی است که در فیلم به آن پرداخته شده است. پاتریک (نقش اول فیلم) در سن ۸ سالگی دوست و هم بازی نداشته و باز خورد شدید تر این مستوجب را در جوانی او می بینیم که در ارتباطات اجتماعی دچار اضطراب، هراس و عدم کنترل اعتماد به نفس می شود. همچنین هنگامی که ازدواج می کند نمی تواند رابطه ی عاطفی مناسبی با همسر و فرزندانش برقرار کند که این مورد یکی از مهمترین بحران هایی است که قدری مانند پاتریک را چنان آزار می دهد که امکان دارد هیچ گاه نتواند رشد کردن فرزندانش و مسئولیت هایی که او باید به عنوان پدر در برابر شرایط قعلی فرزندانش بر عهده گیرد را درک کند چرا که او خود را درون حبابی تصور می کند که امواج دریا او را مستقیم به سوی جلو حرکت می دهند.

حرکتی که تا به امروز ادامه داشته و حتی یک لحظه هم متوقف نشده یا از سرعت خود نکاسته است. در تمام این مدت هربار که به گذشته فکر می کند علاوه بر آنکه زندگی اش را سراسر نشویش می بیند، بلکه بیش از پیش دچار سردرگمی می شود. این احساس گویی با قدرتی خارق العاده روح و روانش را تسخیر کرده که برای شکست دادن آن، "باید کسی بیشتر از خودش فاصله بگیرد". اما چگونه می توان از خود فاصله گرفت وقتی گذشته در نهانمان ریشه دوانده و امروز ما را تا فرسنگ ها از خویشتن خویش دور کرده است؟ چگونه باید آن را فراموش کرد؟ یا در بهترین حالت، چگونه می توان با چنین گذشته ای کنار آمد؟

به همین دلیل است که گاهی اوقات چنین افکاری تحمنمان را آنقدر آشفته می کنند که خود تصمیم گرفتن برایمان را آرزو بدل می شود در آن هم برخلاف میل باطنی اندیشه هایمان قربانی عواطف شکست خورده یمان می شوند. خاطرات مانند قیلم با سرعتی سرسام آور از مقابل دیدگانمان عبور می کنند و این حالت تا زمانی که تماماً آرامش روانی مان از بین نرود و قالب روح با سر تسلیم گوشه ی انزوا اختیار نکند، ادامه می یابد. به هرحال این نوع حالت های روحی با گذر زمان بهبود خواهند یافت، اما این به آن معنا نیست که معضلات یا زخم های قعلی مان با مرهم زمان التیام می یابند و به این ترتیب می توانیم با خیالی راحت زندگی آرامی را که در گذشته مشغول آن بودیم از سر گیریم. باید همچنان که زمان با تیوری جادوئی خویش غبار زوال را قرو می نشاند، از خود را از پیله ی انزوا رها کنیم. دریچه ی قلب را از گزند اندوه نجات بخشیم و اقسار اندیشه یمان را با قروتنی در دست گیریم. ضمن آنکه تغییراتی در سبک و سیاق زندگی مان در نظر گیریم تا از تأمل ورزیدن به حوادث آن روز گار بپرهیز کنیم. هدفی را به منظور برانگیختن خویش به سبب آنکه کلیه ی احزان انزوا را ترک گوییم و شوقی نهادین در وجودمان پدید آید تا بتوانیم به واسطه ی اعتماد به این میل درونی، ابتدا حافظه را از وجود هرآنچه که دیدگانمان را در برابر زندگی تیره و تار کرده به طوری که تاکنون موفق نبوده ایم تا شیره ی وجودی آن را درک نماییم پاک کرده، سپس مسیر زندگیمان را مشخص کنیم و برای جلوه بخشیدن هرچه بیشتر به این موهبت از رشمند با دقت برنامه ریزی کنیم. اما مصاتبی که پاتریک را به زانو آورده بودند و هرلحظه او را آزار می دادند، طوری که حتی شب ها نمی توانست چشم برهم گذارد و در آغوش خواب لحظات کوتاهی را بیاساید، از آن دست مشکلات زود گذر نبودند که با گذر زمان بتواند آنها را پشت سر گذارد. مسائل حل نشده و دشواری که تمامشان سوالات مبهم و بدون پاسخی هستند که تا به امروز زندگی اش را در هراس نگاه داشته و به این ترتیب آینده اش را به سوی تباهی کشانده اند.

پاتریک کودکی را به تنهایی گذرانده است. حتی والدینش با او دوست نبودند، پدر و مادرش علاوه بر آنکه با مهربانی با او صحبت نمی کردند، یا به حرف های کودکانه ی او گوش نمی دادند، بلکه به رشد کردن او نیز اهمیت نمی دادند و هیچ گاه موقعیت های سنی او را برایش شرح نمی دادند تا علاوه بر آنکه با چالش ها و موانعی که پیش رو خواهد داشت آشنا شود، بتواند خودش را برای مقابله کردن با آنها آماده کند و همچنین وظایفی که در آن دوران باید متقبل شود را با تنظیم برنامه ریزی های مناسب و کارآمد به مرحله ی اجرا برساند. دیدگمان را در دست به همین خاطر او نیز نمی تواند مراحل رشد قزرندانش را درک کند و همین موضوع سبب می شود تا در گذر زمان برخلاف میل باطنی اش دیواری شیشه ای میان او و خانواده اش ایجاد شود. این همان موضوعی است که پاتریک به شدت از آن می ترسد و برای اصلاح این موضوع وارد چالش تازه ای می شود.

ادامه دارد...

کارشناس کارگردانی سینما

گزارش

یک اتفاق عجیب؛

کتاب‌سوزی در فضای مجازی!

به گزارش پیام آشنا، گروهی تصاویری از آتش زدن کتاب، پاک کردن سرویس بهداشتی با کافه‌های کتاب، پاره کردن کتاب و فحاشی و دشنام به نویسندگان و مترجمان را منتشر می کنند. ۱۵ نویسنده و مترجم برای رسیدگی فوری به این پرونده خواستار دیدار با وزیر ارشاد شدند. روزنامه شهروند به قلم یاسر نوروزی گزارشی در این خصوص منتشر کرده است که بخشی از آن را در ادامه می خوانید.

«سه روز بیشتر از چاپ کتابم نگذشته بود که به من خبر دادند کتابت را سوزاندند! فقط می توانم بگویم که شوک عجیبی به من وارد شد و چنین اتفاقی اصلا برایم باور کردنی نبود. بعد دیدم که تصاویر آتش زدن کتاب را برایم فرستادند.»

فرناز کامیار، مترجم کتاب «ویراته‌های زیبا» این جمله‌ها را می گوید و ادامه می دهد: «صحنه‌ها فوق‌العاده ناراحت‌کننده بود. دائم با خودم می گفتم من که اصلا با کسی مشکلی ندارم، چرا باید کسی با گروهی چنین کارهایی را با کتابم بکنند؟ اصلا چطور می‌توانستند کتابی ۴۸۰ صفحه‌ای را در عرض سه روز بخوانند و به این نتیجه برسند که کتاب خوبی نیست یا ترجمه آن را برادارد؟ استوری‌ها و نوشته‌هایشان هم پر از فحاشی بود. همین حالا که می‌گویم تنم می‌لرزد. اصلا شرم دارم بعضی نوشته‌ها را بگویم. شما به من بگویید تقد یک کتاب یعنی این؟! من هشته‌ام برای این کتاب زحمت کشیدم و می‌دیدم که فردی درحال آتش زدن آن است. چهره این فرد که فندک زیر کتاب می‌گیرد و آن را آتش می‌زند مشخص نیست. اما آهنگی شاد گذاشته و درحال سوزاندن بود.»

همزمان تصاویر آتش زدن کتاب را می‌بینم؛ آهنگی در پس‌زمینه درحال پخش است و فندک شعله‌ور سمت کتاب می‌آید. ملودی شش و هشت درواقع قرار است فضایی تمسخرآمیز را به بیننده القا کند. لحظه‌ای بعد به‌تدریج برگ‌های کتاب «ویراته‌های زیبا» سیاه می‌شوند و گرم می‌گیرند. این رمان نوشته جس واکنر در نمایشگاه کتاب امسال از سوی انتشارات «کوله‌پشتی» منتشر و چند روز بعد در یکی از صفحات شبکه‌های اجتماعی به دست فرد یا گروهی سوزانده شد. اقدامی که بیشتر دست‌اندرکاران این اتفاق تلخ این‌طور توجیه کرده بودند که ترجمه کتاب، کیفیت لازم را ندارد و به همین دلیل باید سوزانده شود!

حرمت کتاب و اشکستند

ماجرا البته به همین‌جا ختم نشد و رسید به پاره کردن کتابی دیگر و پاک کردن سرویس بهداشتی با کافه‌های آن! مژگان رنجبر، مترجم کتاب «سیمی که بر ستاره‌ای وزید» می‌گوید «یک ماه بیشتر از چاپ کتابم نگذشته بود که ناگهان دیدم به بدترین وجه ممکن شروع به تخریب کتاب کردند! نظرسنجی‌های توهین‌آمیز و کلامنت‌های زشت، پر شده تصویری برایم فرستادند که در آن فردی کتاب را برده سمت دستشویی، ورق‌هایش را پاره می‌کند و با کافه‌های کتاب لبه‌های توالت را پاک می‌کند. آهنگی هم گذاشته بود و همراه آن آهنگ، کافه‌های کتاب را پاره و مچاله می‌کرد و یا کافه‌های آن. سطال آشغالش را تمیز می‌کرد. اصلا فرض بگیرید که کتاب من ایرادهایی هم در ترجمه داشته؛ شما باید با یک کتاب چنین کاری کنید؟ اصلا جز از توهینی که به بنده شده، فردی یا گروهی که این رفتارها را در پیش گرفته‌اند، حرمت کتاب را شکسته و به ساحت کتاب توهین کرده‌اند. هیچ چیدا چنین چیزی ندیده بودم. قبل از اینها در حوزه نقد من حتی گاهی حرف‌های تند دیده بودم، اما چنین کاری را هرگز ندیده بودم.»

تصاویر توهین‌آمیزی که خانم مژگان رنجبر درباره آنها حرف می‌زند به کتاب «سیمی که بر ستاره‌ای وزید» نوشته جونگ میونگ لی برمی‌گردد، رمانی که از سوی انتشارات «نون» منتشر شده از ترجمه‌های خانم رنجبر. پیشتر رمان «حال و هوای عجیب در توکیو» نوشته هیرومی کاوا کامی را خوانده و زبان فارسی آن را روان و خوش‌خوان دیده بودم. با این حال اینکه چرا شخص یا اشخاصی به چنین رفتارهایی رو آورده‌اند، همچنان جای پرسش دارد. مژگان رنجبر در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «قبل از من چهار نفر دیگر هم شکایت کرده بودند. خط افراد را هم پلیس فتا شناسایی کرد و درحال حاضر می‌دانم اشکایت دیگر هم تنظیم شده است.»

چنین رفتاری سابقه ندارد

ایافر رضایی مدیر انتشارات «کوله‌پشتی» چنین رفتاری را در حوزه کتاب بی‌سابقه می‌داند. او دراین‌باره می‌گوید: «من خودم از قربانیان این رفتار هستم. اول دیدم که گروهی شروع کردهاند به ایجاد موجی علیه کتاب‌های انتشارات ما. واکنش نشان دادیم و اعتراض کردیم ولی فایده‌ای نداشت و دیدیم همچنان به تخریب‌مان ادامه می‌دهند. برای همین فکر کردیم شاید کار درست این باشد که محل ندهیم. وقتی بی‌محلی کردیم به‌تدریج حمله اینها علیه نشر ما کمتر شد. هرچند همچنان دست از تخریب بعضی مترجمانی که با ما کار کرده بودند، برنمی‌داشتند و به رفتارشان ادامه می‌دادند. برای همین هم عده‌ای از مترجمان و نویسندگان از طریق پلیس فتا وارد عمل شدند و تا جایی که می‌دانم به اطلاعات خوبی هم درباره این گروه رسیدند. با این حال این رفتارها همچنان برایم عجیب است. چون خودم تا به حال اصلا چنین اتفاقاتی در حوزه کتاب ندیده بودم. اصلا چنین رفتارهایی سابقه نداشته. حرف من این است که هیچ‌کس نمی‌تواند نقد سالم و غیرمخرب را مذموم بداند، ولی کاری که اینها کردهاند، نقد نیست؛ فقط و فقط تخریب است.

سکوت جایز نیست

ماجرایی که درباره آن می‌نویسم هنوز رسانه‌ای نشده است. اما تصاویری که شرحش را آوردیم بین بعضی مترجمان و نویسندگان دست به دست می‌شود. به نظر می‌رسد بخشی از جامعه ادبی مصلحت را در سکوت دیده‌اند تا گروهی که چنین رفتارهایی را با توجیه نقد و عمل نقادانه در پیش گرفته‌اند، شهرتی کاذب پیدا نکنند. با این حال لیلی بخشی، نویسنده رمان «که هنوز من نبودم» از آخرین تصمیم مترجمان و نویسندگانی درباره این اتفاقات می‌گوید: «فرد یا افراد پشت این ماجرا، درباره کتاب‌های من اظهارنظری نکرده‌اند. اما کار که به کتاب‌سوزی رسید دیگر قابل تحمل نبود. همزمان زشت‌ترین و وقیح‌ترین واژه‌ها را هم با توجیه نقد به مترجمان و نویسنده‌ها نسبت می‌دادند برای همین احساس کردم دیگر نباید سکوت کرد. چون بحث بحث کتاب من و کتاب دیگری نیست. مسأله، توهین به کتاب است. ضمن اینکه برداشتم این بود این گروه به قیمت دیده شدن خودشان درحال تحقیر عده‌ای دیگر هستند در کنار اینها، با آبروی چندین مترجم و نویسنده بازی کردند، باعث شدند چند نفر شغل‌شان را از دست بدهند، یا فاش کردن اسکرین‌شات‌های غیراوقبی، مترجمان را در مقابل ناشران قرار دادند و میانه‌شان را به هم زدند. ضمن اینکه رفته رفته آسیب به کتاب‌های مختلف هم بیشتر می‌شد و گاهی طرفداری‌هایی می‌شد از بعضی کتاب‌ها که می‌توان آن را نوعی بادبزنی دانست.

در واقع دنبال این بودند که کتاب‌های خودشان بیشتر به فروش برسد. برای همین چند ماه پیش که ماجرا به اوجش رسید، لازم دیدم در کنار دوستانم اقدامات قانونی علیه‌مان انجام بدهیم. شکایت و پیگیری کردیم و به موازات پیش‌رفتن ماجرا در دادسرا، لازم دیدیم که استشهادی هم جمع کنیم. این استشهاد در ۴ صفحه تنظیم شد و به امضای ۱۵ نفر، اعم از نویسنده و ناشر و مترجم رسید. برای نخستین‌بار هم از طریق روزنامه شما اعلام می‌کنم که چند روز پیش این استشهاد به دبیرخانه وزارت ارشاد تحویل داده شد. البته پیش‌تر با معاونت وزارت ارشاد و مسئول کمیته کتاب، هم صحبت کرده بودیم. همزمان درخواست دیدار حضوری هم با وزیر داشتیم که هنوز انجام نشده است. ضمن اینکه سی‌دی مربوط به تصاویر کتاب‌سوزی و اتفاقات دیگر را هم پیوست کردیم. تمام اینها در حال حاضر تحویل دفتر وزیر فرهنگ و ارشاد داده شده است و حالا هم تصمیم گرفته‌ایم سکوت نکنیم؛ چون فکر می‌کنیم هر کس با هر قدرتی که دارد باید جلوی این ماجرا بایستد. تصورش را بکنید در شرایطی که کشور ما دارد، فیلم این آتش‌سوزی‌های کتاب در سطح گسترده در فضای مجازی پخش شود؛ می‌دانید چه اتفاق بدی را می‌تواند در وجهه بین‌المللی برای ما رقم بزند؟ برای همین هم از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد پیگیر هستیم و امیدواریم سریع‌تر به این موضوع رسیدگی شود.»

حکم قانونی توهین به کتاب

این پرسش ممکن است برای خوانندگان این گزارش پیش بیاید که دادگاه ممکن است چه برخوردی با رفتارهایی نظیر کتاب‌سوزی، پاره‌کردن کتاب، تمیزکردن سرویس بهداشتی با کتاب و اتفاقات تلخ این‌چنینی داشته باشد. برای همین سراغ علیرضا دقیقی، وکیل و حقوقدان رفتیم تا نظر او را نیز در این‌باره بپرسیم. «بر حیطه نقد ما باید هم مبانی مثبت پژوهش و هم مباحث منفی را در نظر بگیریم؛ یعنی موضوع مورد نقد را در دو کفه بگذاریم و ارزیابی کنیم. کسانی بدون اینکه در قالب صحیح نقد و نقادی بخواهند موضوعی را نقد کنند، از طرف شنونده مورد وثوق قرار نمی‌گیرند؛ اما نکته مهم اینجاست که گاهی در جامعه افرادی از سر لجبازی به واکنش‌هایی که شما اشاره کردید رو می‌آورند. آن هم عموما زمانی است که خودشان به نحو صحیحی مورد نقد قرار نگرفته‌اند و نقدهایشان مورد پذیرش نبوده است. به این ترتیب یک واکنش‌های نامناسبی هم رو می‌آورند؛ یعنی این نوع واکنش‌ها را باید در قالب نوعی مکانیزم روانی و اجتماعی بررسی کرد. درواقع فرد با این رفتار نامناسب می‌خواهد بگوید من زمانی که دوست نقد می‌کردم، افرادی نیامدند تا از من حمایت کنند؛ بنابراین ناخودآگاه به سمت تخلیه درونی می‌رود. این بحث از منظر روانشناختی بود. اما از منظر قانونی بیایید ببینیم این واکنش‌ها در جامعه آیا توهین تلقی می‌شود؟ این موضوع برای تشخیص نیاز به هیأت منصفه دارد؛ چون قطعا اگر یک قاضی بخواهد ارزیابی کند، ممکن است از نظر او توهین تلقی بشود یا نشود. درواقع باید موضع‌گیری کند که ممکن است در این موضع‌گیری از انصاف خارج شود. بنابراین اگر هیأت منصفه تشخیص بدهد عمل فرد توهین است به مثابه توهین تلقی خواهد شد. البته این موضوع در قانون پیش‌بینی نشده اما درباره پاره‌کردن، سوزاندن و در چاه و توالت‌انداختن یک کتاب باید گفت من فکر نمی‌کنم کشیری از مردم این را بپذیرند.»

بریده جراید

دانشنامه زبان و ادب فارسی فرهنگستان چگونه شکل گرفت؟

مهر- برنامه رادیویی «از پارسی تا فارسی» درباره شکل‌گیری دانشنامه زبان و ادب فارسی در فرهنگستان زبان و ادبیات در گفتگو با اسماعیل سعادت از آنتن رادیو گفتگو پخش شد. سعادت در این برنامه گفت: دانشنامه زبان و ادب فارسی چهارده‌هم ادیبهشت سال ۱۳۷۱ در شورای فرهنگستان به ریاست مرحوم دکتر حسن حبیبی تاسیس شد. این دانشنامه در سال ۱۳۷۷ با مدیریت مرحوم عبدالمحمد آیتی شروع به کار کرد و در حدود ۸ سال مقدمات کار تالیف آن صورت گرفت. در این مدت به سلیقه گزینی، کمیت و کیفیت مقالات دانشنامه و شیوه تهیه اثر، تنظیم مقالات پرداخته شد و همه این کارها با روش آزمون و خطایی صورت گرفت. وی با اشاره به سابقه اندک دانشنامه‌نویسی به این‌شیوه در کشور گفت: در سال ۱۳۷۹ مسئولیت این کار به جای مرحوم آیتی به عهده بنده گذاشته شد که به پیشنهاد آقای حداد عادل بنده این مسئولیت را پذیرفتم و شروع به تهیه مقالات کردیم. سفارش و دریافت مقاله قدم اول در تگارش دانشنامه است. در ادامه کارهایی مربوط به تنظیم هر مقاله انجام گرفت که حدود ۴ سال به طول انجامید و در سال ۱۳۸۴ اولین جلد دانشنامه منتشر شد. این عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه گفت: دانشنامه زبان و ادب فارسی در مراحل اولیه پنا داشت در ۶ جلد ۷۵۰ صفحه‌ای منتشر شود که جلد اول در سال ۱۳۸۴ منتشر شد و به فاصله هر دو سال یکبار، یک مجلد آماده و مجلد ششم در سال ۱۳۹۵ چاپ و منتشر شد. دانشنامه در این شش جلد شامل ۲۷۴۰ مدخل و حدود ۴۸۲۰ صفحه به قطع رحلی در دوره اول انتشار یافت و بعد از حصول این موفقیت، طی بررسی هایی دریافتیم این سه دسته مدخل خالی است. مدخل‌هایی بودند که مقالاتشان در هنگام آمده‌سازی مجله دریافت نشده و ما تجارب شدیم این مقالات را به جلدهای بعد ارجاع دهیم و دسته دوم مدخل هایی که در مدخل گزینی اولیه از قلم افتاده بودند و دست سوم نیز شامل مقالاتی بود که طی مدتی که دانش نامه منتشر می‌شد، شخصیت‌های مورد تظر به رحمت خدا پیوستند و ما مجبور شدیم مدخل‌های مربوط به این افراد را در جلد دیگری منتشر کنیم. سعادت گفت: «جلد ذیل»، وقتی به اتمام رسید، در سال ۱۳۹۷ منتشر شد که دارای ۱۵۰ مدخل و ۸۹ مولف است و حدود ۵۵۰ صفحه را شامل می‌شود. بعد از اینکه دانشنامه به پایان رسید و شش جلد به اضافه جلد ذیل منتشر شد. تصمیم گرفتیم دانشنامه از قطع رحلی به قطع وزیری تبدیل شود و بدین منظور تاگزیر شدیم مدخل‌های جلد ذیل را در کل دانشنامه ادغام کنیم و هر یک در جای الفبایی خود آمدند. در نتیجه مقالاتی که در دوره جدید چاپ شد، حاوی بیش از ۱۵۰ مدخل بود که به جلدهای دیگر اضافه شد و روی هم رفته تعداد مدخل‌ها بالغ بر ۲۴۰۰ مدخل شد. این عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در پایان گفت: نزدیک به ۴۲۰ این مولف را ما همکاری داشتند که از داخل و خارج کشور بودند؛ برخی از این مولفان از متخصصان نزد اول کشور هستند که برخی مقالات دانش نامه را تالیف کرده و این مقالات در اهمیت و اعتبار در کمتر متربع دیگری با چنین جامعیتی یافت می‌شود.

نخستین سلفی‌های ایرانی در یک نمایشگاه

همشهری- موسسه فرهنگی هنری صدا در «فوتوغرافخانه» از نخستین سلفی‌ها و عکس‌های ثبت شده در ایران رونمایی می‌کند و بایسته به فرهنگستان هنر- این نمایشگاه که همراه با نشست تخصصی عکاسی قاجار، همزمان با یکصد و هفتاد و هفتمین سالروز تولد عکاسی در ایران برگزار می‌شود، عصر دوشنبه (۲۵ آذر ماه) ساعت ۱۶ در نگارخانه «خیال» گشایش یافت. «فوتوغرافخانه» مجموعه‌ای شامل بیش از ۱۲۰ عکس است که سیری تصویری از آغاز عکاسی در ایران را به روایت ناصرالدین شاه قاجار و «خودتصویر»هایش که نخستین سلفی‌های ایرانی نیز محسوب می‌شوند را نشان می‌دهد.

این آثار در برگیرنده عکس‌هایی از نخستین روایتگران تصویری زندگی مردم ایران، هولتسر، عبدالله قاجار، آنتوان سوریوگین و... خواهد بود.

این مجموعه با همکاری گالت موزه گلستان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، موزه ملی ملک و مجموعه‌های شخصی- محسن احتشامی فراهم شده و به معرض تماشای علاقمندان هنر عکاسی و تاریخ پرماجرای نزدیک به ۱۸۰ ساله آن گذاشته خواهد شد.

فرصت بازدید از این گنجینه ارزشمند و تاریخی تا ۱۰ دی ماه، همه روزه از ۱۰ صبح تا ۱۸ عصر -به جز ایام تعطیل- برای همه علاقمندان مهیاست.